



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره رای خیم شیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

Re'eh

The Politics of Freedom

رئه: سیاست آزادی

موسی پس از طرح اصول گسترده عهد، اینک به ریزه کاری هایی می پردازد که باب های بسیار و چندین پاراشا را دربرمی گیرد. بازبینی مفصل قوانین حاکم بر بنی اسرائیل در سرزمین خود با تأکید موسی بر انتخاب سرنوشت ساز آغاز و پایان می یابد. در این باره در پاراشای این هفته چنین می خوانیم:

بنگر که در این روز در برابر شما برکت و لعنت را می گذارم: برکت اگر از فرمان های خداوند خدای خود پیروی کنی. اما اگر از راهی که امروز به شما نشان می دهم، منحرف شوی و خدایان بیگانه ای را که نشناخته ای پرستش کنی... (سفر تثنیه ۲۶-۱۱:۲۸)

و در پایان چنین می گوید:

بنگر که امروز در برابر شما زندگی و خوبی، مرگ و بدی را نهاده ام... امروز آسمان و زمین را در برابر شما شاهد می گیرم و پیشاروی شما زندگی و مرگ، برکت و لعنت را می گذارم. پس، زندگی را برگزین تا تو و فرزندان زندگی کنید. تثیه (دوایم) ۳۰:۱۵؛ تثیه ۳۰:۱۹

هارامبام این دو بخش را اثبات باور ما به اختیار آزاد می داند (در هیلخوت تشوا ۵:۳) [توضیح مترجم فارسی: در میشنه توراه، جلد اول کتاب شناخت- ترجمه فارسی از بنیاد هارامبام] و چنین نیز هست. اما آنها بیش از این معنا دارند و بیانیه ای سیاسی به شمار می روند. ارتباط میان آزادی فردی (که هارامبام از آن سخن می گوید) با گزینش جمعی (که موسی بیان می دارد) از این قرار است: اگر انسان ها باید آزاد باشند، پس به جامعه ای آزاد نیاز دارند که در آن آزادی خود را عملی سازند. سفر دوایم نخستین تلاش در تاریخ برای خلق یک جامعه آزاد است.

دورنمای موسی عمیقاً سیاسی، اما به گونه ای یکسره بیمانند است. این دورنما سیاست همچون قدرت یا دفاع از منافع و یا حفظ طبقه یا قشر بسته اجتماعی نیست. سیاست به عنوان بیان غرور ملی و خودنمایی نیست. در سخنان موسی هیچ میلی به شهرت، افتخار، توسعه طلبی و گسترش امپراتوری وجود ندارد. سخنی نیست جهت ملی گرایی در مفهوم یک میثاق. موسی به مردم نمی گوید که آنها چه عظمتی دارند. به آنها می گوید که شورشی بوده اند، خطاکار بوده اند، و شکست ایمانی در جریان جاسوسان برای آنها به بهای چهل سال تأخیر در ورود به سرزمین تمام شده است. او راهبری چندان ملایم نبود.

موسی برعکس، قوم را به خاکساری و پذیرفتن مسئولیت فرامی خواند. در واقع می گوید که ما یک ملت هستیم که خدا برای آزمونی عظیم ما را برگزیده است. این آزمون که آیا می توانیم جامعه ای خلق کنیم که مانند مصر نباشد، نه یک امپراتوری و نه تقسیم شده به فرمانروا و فرمانبر؟ موسی می پرسد آیا می توانیم ایمان به دستی فراانسانی داشته باشیم که از زمانی که من ابتدا در برابر فرعون ایستادم و آزادی مان را طلب کردم، سرنوشت ما را هدایت کرده است؟ زیرا اگر ما به راستی به خدا ایمان داشته باشیم - نه خدا همچون انتزاعی فلسفی، بلکه خدایی که با دست خود تاریخ ما را نوشته، خدایی که در کوه سینا با او عهد بسته ایم، خدایی که تنها سرور ما است - آنگاه می توانیم کارهای بزرگ بکنیم.

نه بزرگ به معنای قراردادی و معمول آن، بلکه عظیم از نظر اخلاقی. زیرا اگر تمام قدرت، ثروت و توانگری به خدا تعلق داشته باشد، آنگاه هیچ یک از اینها نمی توانند در عمل ما را از یکدیگر جداسازند. ما همگی در چشم خدا به

یکسان ارزش داریم. از سوی او مأمور هستیم که به تهیدستان غذا بدهیم و از یتیمان، بیوه زنان و لوی های فاقد زمین و غریبانِ غیرایسرائل حمایت کنیم. به ما دستور داده شده که جامعه ای عادلانه بیافرینیم که به کرامت و آزادی انسان ارج می نهد.

موسی بر روی سه نکته تأکید دارد: اول، ما آزاد هستیم و می توانیم انتخاب کنیم میان برکت و لعنت؛ نیکی و بدی؛ ایمان و بی ایمانی. موسی می گوید: این تویی که تصمیم می گیری. تا آن زمان، هیچ گاه آزادی به این روشنی تعریف نشده بود؛ نه فقط برای فرد، بلکه برای ملت در کل. فهمیدن این امر سخت نیست که ما به عنوان فرد در برابر گزینش های اخلاقی قرار می گیریم. آدم و حوا چنین شدند. قایل نیز. گزینش، جزئی از شرایط انسانی است.

اما مطرح ساختن گزینش آزاد به عنوان یک ملت، رخدادی نوین است. موسی می گوید که اظهار بی قدرتی و این که بگوییم نمی توانستیم، یا شمار ما کم بود که شکست خوردیم، یا تقصیر رهبران یا دشمنان ما بود، پذیرفتنی نیست. موسی می گوید نه! سرنوشت شما در دستان خودتان است. سروری خدا، نفی مسئولیت انسان نیست، بلکه برعکس، مسئولیت را در درجه اول قرار می دهد. موسی می گوید اگر به خدا ایمان داشته باشید از پسِ امپراتوری ها برخورد خواهید آمد. اگر نداشته باشید، هیچ چیز دیگری، حتی قدرت نظامی یا متحدان سیاسی به شما کمکی نخواهند کرد.

اگر به سرنوشت یگانه خود خیانت کنید، اگر خدایان ملل همسایه را بپرستید، آنگاه مانند آنها خواهید شد. به سرنوشت همه ملل کوچک در دوران ابرقدرت ها مبتلا خواهید شد. دیگران یا بخت و اقبال بد را مقصر شکست خود ندانید. گزینش با شما است؛ مسئولیت فقط با شماست.

دوم، ما جمعاً مسئول هستیم. عبارت: "همه آحاد اسرائیل پشتیبان یکدیگر هستند"، دستوری از حکیمان تلمودی است، اما ایده آن در تورات بیان شده است. این نیز انقلابی است. در یهودیت، "قهرمان پرستی" در مفهومی که کارلایل بیان کرد و نظریه ای در مورد مردان بزرگ، وجود ندارد. سرنوشت اسرائیل به پاسخ اسرائیل، همچون یک ملت، از سران قبایل، مشایخ و رؤسای شما گرفته تا "هیزم شکنان و آب فروشان" بستگی دارد. این ایده الهام بخش عبارت آمریکایی "ما مردم" بوده است (که در سیاست ورزی بریتانیا هیچ معادلی ندارد). قوم عهد با خدا برخلاف همه ملل در دنیای باستان و بیشتر ملل در دنیای کنونی بر این باور نبودند که سرنوشت آنها توسط پادشاهان، امپراتورها، دربارهای شاهی و نخبگان حاکم اداره می شود. بلکه این سرنوشت توسط تک تک ما همچون فاعل اخلاقی و متقابلاً

مسئول در برابر خیر همگانی تعیین می گردد. مایکل والزر همین امر را در نظر دارد وقتی در کتاب اخیر خود به نام "در سایه خدا: سیاست در تورات"، بنی اسرائیل دوران توراتی را "تقریباً یک دموکراسی" می داند.

سوم، این یک سیاست خدا-محور است. در دنیای باستان کلمه ای برای آن نبود، از این روی یوسفوس [توضیح مترجم فارسی: تاریخ نگار یهودی قرن اول میلادی] ناچار برای آن واژه ای آفرید و آنرا خداسالاری (تئوکراسی) نامید. اما از این واژه بسیار سوء استفاده شده و در معناهای غلط از جمله سروری کشیشان و کاهنان به کار رفته است. بنی اسرائیل چنین جامعه ای نبودند. باز هم عبارتی آمریکایی به ذهن ما می رسد: اسرائیل "ملتی واحد در زیر سروری خدایی واحد" بود. اگر به دنبال واژه ای تک و به درستی گویای دورنمای سفر دواویم باشیم، آن واژه نه خداسالاری، بلکه نوموگراسی یا قانون سالاری است: "حکومت قوانین و نه حکومت انسان ها".

ملت اسرائیل در دوران توراتی نخستین نمونه تاریخ برای تلاش در خلق جامعه ای آزاد است. نه آزاد به معنای مدرن امروزی یا آزادی ایمان که مفهومی بود خلق شده در قرن هفدهم اروپا که یک قرن جنگ های مذهبی میان کاتولیک ها و پروتستان ها آنها را هم گسسته بود. آزادی ایمان تلاشی بود برای حل این مشکل که چگونه مردم با باورهای مذهبی گوناگون (همگی در محدوده مسیحی در اروپا) در صلح با یکدیگر زندگی کنند. ملت اسرائیل در دوران توراتی پاسخ به این مشکل نبود.

برعکس، به این پرسش پاسخ می داد: چگونه آزادی و مسئولیت میان همگان، یکسان تقسیم شود؟ چگونه بر قدرت فرمانروایان که می توانند توده های مردم را به بردگی بگیرند - نه الزاماً بردگی به معنای کار اجباری برای ساختن بناهای عظیم یا شرکت در جنگ های اپراتوری- محدودیت گذاشته شود؟ لرد اکتون، تاریخ شناس بزرگ قرن نوزدهم، به درستی گفت که آزادی به این معنا در تورات زاده شد:

دولت بنی اسرائیل یک فدراسیون بود که هیچ اقتدار سیاسی، ضامن وحدت آن نبود، بلکه با وحدت قومی و ایمانی و نه تنها با زور فیزیکی، بلکه با نیروی یک عهد داوطلبانه به هم پیوسته بود... تخت قدرت بر پایه یک قرارداد افراشته بود و شاه از حق قانونگذاری برای مردمی که هیچ قانونگذاری جز خدا را قبول نداشتند، محروم بود... مردان الهام یافته ای که با توالی پیوسته علیه رباخواران و خود کامگان به نبوت برخاستند، مرتب

اعلام کردند که قوانین خدا بر فرمانروایان گناهکار برتری داشتند... به این ترتیب، نمونه ملت عبرانی سرمشتقی آفرید که در آن همه گونه آزادی تحقق یافته بود.¹

این ایده ای زیبا، نیرومند و چالش انگیز است. اگر خدا تنها سرور ما است، پس هر گونه قدرت که به انسان ها سپرده شده، محدود و در قید اصول اخلاق است. یهودیان، نخستین معتقدان این ایده بودند که یک ملت می تواند آزادی و کرامت انسانی خود را تحقق بخشد. این هیچ ربطی به ساختارهای سیاسی، از جمله پادشاهی مطلقه، اشراف سالاری و مردم سالاری که یهودیان همه آنها را آزمودند، ندارد. بلکه یکسره مربوط است به مسئولیت اخلاقی و جمعی.

یهودیان هیچ گاه یکسره به این دورنما دست نیافتند، اما هیچ گاه نیز از تلاش برای الهام گرفتن از آن دست نکشیدند. سخنان موسی امروز ما را به چالش می کشند. خداوند به ما آزادی داده است. باشد که آنرا برای خلق یک جامعه عادلانه، سخاوتمند و شفقت آمیز به کار بندیم. خدا برای ما چنین جامعه ای نمی آفریند، اما به ما آموخته که چگونه می توان آنرا ساخت. چنان که موسی گفت: "انتخاب با ما است."

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org f t @ @RabbiSacks
The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org
© Rabbi Sacks • All rights reserved

¹ Lord Acton, *Essays in the History of Liberty* (Liberty Press, 1985), 7